



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شیراز
شماره مجوز
۲۴۷/کن ش

ارگان رسمی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز :: سال هشتم :: شماره ۶۶ :: آذرماه ۱۳۹۹

پایانه

امادخینی: ماملومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم ما غیر از خدا کسی را نداریم

مدت زمان
تقریبی مطالعه
نشریه:
۱۶ دقیقه



اعتراضات دانشجویان آلمانی به جنگ ویتنام | ۱۹۶۸



علیرضا زارع
دبیر انجمن اسلامی دانشجویان
دانشجوی کارشناسی مهندسی مکانیک

کد مطلب: ۱

مبدأ تحولات

با مرور تاریخ معاصر، رد پای دانشگاه و دانشجو در اتفاقات حساس کشور که بعضا موجب جهت‌دهی و ایجاد موج شده است را مشاهده خواهیم کرد. دانشگاه، مکتب علمی، بستر رشدی، باشگاه خودسازی و مسیر پرپیچ‌وخم حرکت به سمت قله‌های معرفتی و دانشجو، بدنه مؤثر بر فرهنگ، آینده‌سازی، رویکرد سیاسی و اجتماعی جامعه است.

وجود تشکلهای و حلقه‌های جمعی با تفکرات ناهمگون و گرایش‌های فرهنگی و سیاسی متفاوت، موجب تقویت باورها و تعامل سازنده در جهت ساخت آینده‌ای مقبول‌تر و نیکوتر می‌شود. اگرچه می‌بایست مراقبتی باشد بر نحوه تعامل گرایش‌ها و گوناگون که خدایی ناکرده، برخی‌ها مسیر تخریب و جبهه‌گیری در پیش بگیرند و موجب سوراخ شدن کشتی دانشگاه که همگی بر آن سواریم، نشوند. بنای سازه مستحکم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... جز با وجود تفکرات مختلف و شکل‌گیری رقابت سالم میان آنان، میسر نخواهد شد.

کسب علم و دانش به تنهایی منجر به شکل‌گیری هویت دانشجو نمی‌شود؛ آنچه دانشجو را، دانشجو کرد و می‌کند، حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و نقش‌آفرینی جنبش‌ها و تشکلهای دانشجویی می‌باشد؛ از تشکلهای وابسته و اصلاحاتی گرفته، تا تشکیلات انقلابی مستقل.

حساسیت چگونگی شکل‌گیری این قوه متفکر، جوان روشنفکر و فرزندان ایرانی، انچنان حساس و حیاتی است که همواره دانشگاه مرکز هجوم فرهنگی، هسته اصلی برای ایجاد تنش‌های اجتماعی و اضمحلال نرم یک حاکمیت و جامعه، از سوی استعمارگران، گروه‌های فکری و احزاب مختلف بوده است.

به تعبیر امام راحل (ره)، فاش کردن خیانت‌ها، جنایت استعمارگران، شناساندن اسلام، آگاه کردن ملت، هوشیاری نسبت به مسائل روز، دخالت در امور سیاسی، قیام در مقابل انحرافات و به زعم بنده از همه مهم‌تر، تلاش برای رهایی از وابستگی و حفظ استقلال فکری، همگی از ویژگی‌های دانشجوی است. اگرچه امروزه خطر تقلیل نقش دانشجو توسط برخی احزاب و گروه‌های سیاسی حس می‌شود، که متأسفانه برخی تشکلهای نیز در زمین آنان خوش رقصی می‌کنند و هرساله دست بیعت می‌دهند، اما هویت استقلالی و نقش تأثیری بر جریانات داخلی حاکمیت، حفظ شده و ادامه دارد.

دانشگاه و تشکیلات، بالین رشد و پرورش، کسب تجربه و آمادگی است. تکلیف دانشجو در خلق حماسه‌های مطالبات اجتماعی، در انتقاد سالم و انتقادپذیری، جهادگری و ایفای نقش مؤذنی جامعه است. همه ما مسئولیتی داریم و بستری برای عدم بی‌تفاوتی نسبت به اجتماع و خط جامعه و جلوگیری از انحرافات سیاسی، فرهنگی و ابعاد مختلفی که از آنان زنگ خطر به گوش برسد. پس بکوشیم در کنار کسب علم و دانش، مسیر تهذیب نفس، تقویت اراده و مبانی فکری را نیز در پیش بگیریم.

دانشرد پای

صفحه ۳

در این شماره می‌خوانید:

دانشجوی ایده‌آل | شاید برای شما هم اتفاق بیافتد | حکایات دانشجویی
ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا انفسهم | اندک اندک جمع مستان می‌رسد
آزادی معنوی (معرفی کتاب) | هویت دانشجو | مقصد نامعین

لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (قوی‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

دانشجوی ایده آل



مسائل روز نیز بپردازد تا بتواند با توطئه‌های دشمنان مقابله کند. تا خدایی ناکرده از مسیر اصلی منحرف نشوند. دانشجویی یک مقطع نیست، دانشجویی تنها عنوانی برای ورود به یک طبقه اجتماعی در جامعه نیست، دانشجویی زمان بر نمی‌دارد، دانشجویی مکتب است. مکتب الهی که روح بیگانه‌ستیزی و وطن پرستی را در کالبد افراد می‌پروراند.

بنابراین دانشجو در دانشگاه از جایگاه بسزایی برخوردار است که جایگاه او به اندازه کرامت و تقدسش، وسیع است و پرمایه.

این مستلزم آن است که دانشجویان در کنار تحصیل علم باید به خودسازی و تهذیب نفس نیز بپردازند، باید قدرت اظهار نظر داشته باشد و در کنار تعلیم مفاهیم و علوم روز، به تحلیل

امروزه دانشگاه‌ها جایگاه خاص خود را در جامعه داشته و دانشجویان به عنوان افراد تحصیل کرده و فهیم می‌توانند در روند فعالیت‌های آموزشی، سیاسی و اجتماعی جامعه نقش مثبت ایفا نمایند. بنابراین دانشجویان با فعالیت‌های خود در این مکان می‌توانند اثرگذار باشند.

اما از طرفی استکبار جهانی و طاغوت، همیشه اندیشه خروج فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دانشگاه‌ها، از مسیر الهی و مقدس خود را در سر می‌پروراند. پس می‌طلبد دانشجویان و دانشگاهیان با توجه به رهنمودهای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تلاش کرده و موجبات رشد و تعالی جامعه را بعد از رشد خود، فراهم آورد.

براساس اندیشه‌های امام راحل (ره) می‌توان گفت که دانشگاه از نظر ایشان به عنوان یک کارخانه انسان‌سازی بسیار مهم تلقی شده و معتقد بودند که دانشجویان می‌توانند در دانشگاه، علم و ایمان را با یکدیگر همراه سازند و به عنوان یک قشر تحصیل کرده، فرایند روشنگری را بدست بگیرند.

در این راستا مهم‌ترین وظیفه دانشگاه در نظام اسلامی، انسان‌سازی و تأمین نیروی انسانی متناسب با نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های انقلاب است.

دانشگاه هم منشأ فسادهای موجود و هم منشأ اصلاح کشور است. بسته به این که عوامل موجود اعم از اساتید و دانشجویان و... در تحقق جهت‌گیری‌های مطلوب، فعالیت‌های ثمردهی را در پیش گیرند.

لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (فوی‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

شاید برای شما هم اتفاق بیافتد...

بلند درخواست قرار دادن جزوه و وسایل دانشجویان به جلو جلسه را داشت دریاورم، تا شاید بتوانم دوست شفیقم را ببابم. بالاخره جواب داد:

- سلام کجایی؟

+ سلام خونه.

- نمای امتحان؟

+ زوده که مگه امتحان ساعت پنج نیست؟

- امتحان ساعت «دو» هست! زودی خودت رو برسون دارن امضا حضور و غیاب جمع می‌کنند.

این قدر استرس رسیدن دوستم را داشتیم که با وجود پخش سوالات حتی نگاهشان هم نکردم و فقط می‌ترسیدم با به پایان رسیدن امضاها به جلسه برسد و نتواند امتحان دهد، مدام مصرع «آمدی جانم به قسریانت ولی حالا چرا» به ذهنم می‌آمد.

صدای دویدن مبهمی هی واضح‌تر و بلندتر می‌شد تا این که بالاخره مخاطب شعر شه‌ریار دقیقاً زمانی که کارشناس بخش داشت با برگه‌ی امضاها می‌رفت رسید.

اینکه تقریباً دو، سه سوال امتحان دقیقاً از فصلی بود که من حتی نگاهش هم نکرده بودم و این که دوستم نیز گذاشته بود دو فصل را که حدوداً نیمی از مباحث بود، در این دو ساعتی که به خیال خودش وقت دارد بخواند هم، بماند.

اما حقیقتاً جا دارد به رانندگی مادر دوستم دست مریزاد بگویم و همچنین خوب است از استادیار درس که تمام تلاشش را برای معطل کردن استاد و کارشناس بخش کرد تا دوست من برسد، قدردانی کنم.

چرا زمانی که تمام تلاشم را می‌کردم باقی مطالب را در این نیم ساعت مانده به امتحان وارد مغزم کنم، با زمان یادآوری لحظاتی که فرصت یادگیری همین مطالب را بدون استرس در طول ترم و سر کلاس داشتم، مقارن شده بود؟ در حین به ذهن سپردن اجباری سوال و جواب‌های احتمالی امتحان، درخشش اسلایدهای درسی در آن تاریکی سالن رازی درون ذهنم این نکته را روشن می‌ساخت که کاش به جای رویاپردازی و چرت‌های نیامده رفته‌ی بهاری، مبارزه‌ی بیشتری با نفس خویش می‌نمودم و اندوخته‌ای دست و پا می‌کردم.

هرچند متوسل شدن به زور جهت پیدا کردن یک جای خالی برای به خاطر سپردن تنها یک نکته‌ی بیشتر در آن استرس و همه‌می‌قبل امتحان نتیجه معکوس به همراه داشت، ولی باید تمام تلاشم را می‌کردم تا لااقل با اتمام حفظ این بخش تنها یک فصل نخوانده باقی بماند.

بالاخره با حضور استاد جلسه شکل رسمی به خود گرفت با پخش دفترچه پاسخ‌های گاهی، حساب و کتاب سرانگشتی من برای پیدا کردن اندازه‌ی مناسب دستخط که با اطلاعات ناقص بنده نه دفترچه خالی بنماید و نه دستخط اول دبستانم تداعی شود، شروع شد. این مهارتی بود که اخیراً به آن دست یافته بودم.

- دوستتان نمی‌آید؟

سوال تکان دهنده‌ای که استادیار مطرح کرد و مخاطبش نیز من بودم، محاسباتم را ناتمام گذاشت.

همان طور که با تلفن همراه خود سعی در برقراری تماس با او را داشتم کارشناس بخش با برگه حضور و غیاب امتحانی، صفای دیگری را به مجلس تنش‌آور امتحانی ما داد. ترجیح دادم ادای آدم‌های ناشنوا را مقابل استادی که مدام با صدای



لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (فوی‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

سیده ریحانه معین
عضو اسبق شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان
دانش آموخته مهندسی برق

کد مطلب: ۴

حکایات دانشجویی

روزی روزگاری در نشست سالیانه انجمن‌های اسلامی در یکی از سخنرانی‌ها صحبت از عالم عارفی شد که به دلیل درجه‌ای از کمال هر شب ندایی در ذهن و روح، او را برای ادای نماز شب صدا می‌زد. با شنیدن این نکته تنها ۳ نفر بودند که از شدت انفجار خنده به پشت صندلی جلوی خود پناه برده و توانایی تمرکز بر ادامه سخنرانی را از دست داده بودند.

ماجرا از این قرار بود که چند دانشجوی شیرازی و چند دانشجوی تفرشی با یکدیگر هم‌اتاقی شده بودند. شب گذشته شیرازی اول بیدار می‌شود تا نماز صبح بخواند. شیرازی دوم را که در مراحل تعمیق خواب بوده چند بار صدا می‌زند و سپس برای وضو گرفتن از اتاق خارج می‌شود. شیرازی دوم که هنوز از عالم هیروت به طور کامل فرود نیامده بود چند ثانیه‌ای می‌نشیند و به روبه‌رو خیره می‌شود، چندی بعد نگاهی به گوشی‌اش می‌اندازد و مجدداً خیره می‌شود.

دانشجوی تفرشی هم‌اتاقی آن‌ها که کلاً آن

شب را بیدار سپری می‌کرد شاهد تمامی این وقایع بود. وی از احوال هم‌اتاقی‌های شیرازی خود و مقایسه با احوال عارفان «اندر بحر مکاشفت مستغرق گشته» و سکوتی عبرت انگیز پیشه کرده و تصمیم گرفت او نیز «سر به جیب مراقبت فرو برد» البته زیر پتو. شیرازی دوم پس از بازگشت دوستش تصمیم می‌گیرد یکی از قابلیت‌های ارزنده‌ی موبایلش را به وی معرفی کند. یعنی ساعت که با شرمندگی نشان‌دهنده‌ی ۱:۲۰ بامداد بوده است!

حیف و صد حیف که اگر فردای آن روز با مرور وقایع در حین تعریف برای سایرین، اسرار برملا نشده بود، دانشجوی تفرشی که البته به حال دانشجویان شیرازی غبطه خورده بود در باقی عمر راه سیر و سلوک در پیش گرفته و «دامنی نیز پر می‌کرد هدیه‌ی اصحاب را»!

هنوز از علت حادثه معرفی حاصل نشده و کسی چه می‌داند شاید ندهای غیبی دانشجوی شیرازی را برای نماز شب بیدار کرده باشد...

لطفاً امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (فوق‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

علی شفیعی رونیزی

عضو سابق شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان
دانشجوی کارشناسی مهندسی مواد و متالورژی

کد مطلب: ۶

رد پای دانشجو



نگاهی می‌اندازیم. یکم فوریه ۱۹۶۰ چهار دانشجوی سیاه‌پوست وارد یک سالن غذاخوری می‌شوند. پس از سفارش خود روی صندلی مخصوص سفید پوستان می‌نشینند. به همین دلیل مسئول فروشگاه از تحویل سفارش امتناع می‌ورزد و این چهار دانشجو اقدام به تحصن می‌کنند که به تحصن گریزبورو (شهری در ایالت کارولینای شمالی که این تحصن صورت گرفت) مشهور است. ظرف چند ماه این تحصن‌ها فراگیر شد، سرانجام در سال ۱۹۶۴ قانون حقوق مدنی تصویب می‌شود و طبق آن جداسازی نژادی در اماکن عمومی ممنوع است. البته این تنها جنبش دانشجویی در راستای حقوق سیاه پوستان نبوده است و در سال‌های مختلف اعتراضات زیادی در این راستا انجام شده.

همچنین در برهه جنگ ویتنام، دانشجویان آمریکایی حضوری گسترده برای پایان دادن به این جنگ داشتند. همچنین اعتراضات دانشجویی در مسئله جنگ سرد، سلاح هسته‌ای و زندگی اقشار ضعیف جامعه از دیگر فعالیت‌های دانشجویان آمریکایی بوده است و گاهی از شیوه‌های خلاقانه و نامتعارف استفاده می‌شد. از دیگر اعتراضات مهمی که قابل بررسی است، اعتراضات دانشجویی ۱۹۶۸ در کشورهای اروپایی است که زمینه این اعتراضات، نارضایتی اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم، سلاح هسته‌ای و جنگ ویتنام بود. در فرانسه این اعتراضات موجب منحل شدن مجلس و برگزاری انتخابات مجلس شد.

از دیگر اعتراضات مهم دانشجویی؛ مخالفت با سیاست‌های تبعیض نژادی علیه سیاه‌پوستان و بومیان آفریقا و آمریکا است که به آپارتاید ستیزی معروف است. البته اینان نمونه‌های کلی و کوچکی از فعالیت‌های دانشجویان جهان است که همگی نشان‌دهنده این است، دانشجو به عنوان قوه متفکر و محرک یک جامعه محسوب می‌شود و نقشی تعیین کننده در یک جامعه دارد. هر چند که این فعالیت و جنبش‌ها با فراز و فرودهایی همراه بوده است اما آنچه عیان است این است که دانشجو، نسبت به اتفاقات ناگوار جامعه بی‌مسئولیت نبوده، نیست و نخواهد بود.

۱۶ آذر بهانه‌ای است تا اسما از دانشجویان تقدیر شود و این روز به نام روز دانشجو نامگذاری شود. در این یادداشت سعی خواهیم کرد گذری سطحی بر جنبش‌های دانشجویی ایران و جهان بیندازیم.

در دوره دوم پهلوی، بعد از خروج شاه از کشور، فضای بازتری برای بیان اعتراضات بوجود آمد و از سرکوب‌های رضاخانی خبری نبود. ریچارد نیکسون (معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا، آیزنهاور) که سال ۱۹۶۹ رئیس جمهور ایالات متحده شد و رابطه خوبی با محمدرضا پهلوی داشت در ۱۶ آذر ۳۲ پس از سقوط دولت مصدق به ایران آمد و همچنین از سرگیری روابط ایران و بریتانیا موجبات اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران را فراهم آورده و با حمایت نهضت مقاومت ملی اعتراضات گسترده‌تر شد، و نتیجتاً باعث درگیری میان دانشجویان و نیروهای امنیتی و نظامی شده و در پی آن مجروح شدن دانشجویان و جانباختن ۳ دانشجو به نام‌های احمد قندچی (برادر اصغر قندچی، کار آفرین ایرانی)، مهدی شریعت رضوی (برادر پوران شریعت رضوی همسر دکتر علی شریعتی) و مصطفی بزرگ‌نیا گشت. پس از پانزده خرداد ۴۲ و اشاعه تفکرات امام خمینی در دانشجویان و در سال‌های ۵۰ - ۵۷ با سخنرانی‌ها و گفتارهای شهید مطهری و دکتر علی شریعتی جنبش‌های دانشجویی وارد مرحله تازه‌ای شدند که تأثیر این تفکرات منجر به انقلاب اسلامی ایران و حضور پررنگ دانشجویان در پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب بود.

دانشجویان پیرو خط امام با اشغال سفارت آمریکا و بازیابی اسناد امحا شده حضوری مهم در تاریخ روابط ایران و آمریکا ایفا کردند. بعد از روی کار آمدن دولت اصلاحات، جنبش‌های دانشجویی وارد فاز جدیدی شدند که در پی آن باعث اختلاف سلیقه میان جنبش‌های دانشجویی بود و هر جنبش دانشجویی از آن زمان تا کنون فعالیت‌های در خور توجه‌ای داشته است که نیاز به یک سیر دقیق در این بازه زمانی دارد که از حوزه این یادداشت خارج است. در ادامه به مهمترین جنبش‌های دانشجویی

لطفاً امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (فوق‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

محسن البرزی
عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان
دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی

کد مطلب: ۵

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا انفسهم



پیگیری می‌کنند، اما به نظر برخی دوره آرمان شهر به پایان رسیده، لذا باید واقع‌بین بود، اما به راستی این چیزی غیر از انفعال در پیش روی ما قرار می‌دهد؟

چه بسیاری که حاضر شدند از دانشگاه اخراج شوند، بحث‌های طولانی و خسته‌کننده را پیگیری کنند، انجمن‌های روشنگری برپا کنند... اما از هدف ناامید نشوند.

بله درست است که دانشگاه‌ها ممکن است با نیازهای جامعه سازگار نباشد، اما این نیاز جامعه به روشنگری و مبارزه با ظلم و فساد، هرگز ریشه‌کن نمی‌شود.

به امید روزی که بشود با اهتمام جوانان با اراده، جامعه‌ای با سطح بالای مشارکت در زمینه‌های مختلف و گفتمان‌سازی منطقی ایجاد کرد.

کافی است به اطراف خود بنگریم تا نیاز به اصلاح و اقدام جدی را پیش بگیریم.

در هر جامعه افرادی وجود دارند که فارغ از علایق و سود شخصی به مواردی که دیگران را رنج می‌دهد می‌پردازند که به عبارتی فرهیخته هستند. از بین این جمع که کم هم نیستند می‌توان به دانشجویان اشاره کرد.

در بسیاری از زمانه‌های حساس این افراد که از شور خاصی برخوردارند و از بسیاری جهات وابستگی کمتری دارند، می‌توانند عامل شکل‌گیری جنبش‌های متنوع بشوند که باعث بهبود شرایط جامعه بشود.

در تاریخ معاصر کشور ما همواره این گروه، فعال و پیش‌تاز بوده و سعی کرده فارغ از سطح نظم اجتماعی به مسائل بنگرد.

برای افرادی که تمایل به اصلاح دارند، از اساس فرق نمی‌کند که چه کسی در رأس امور است، چه بخواهد فردی مستبد باشد، چه فردی که عوام‌فریب، برای او فرقی نمی‌کند. ویژگی‌های دانشجو عموماً این چنین است که حالات آرمانی یک مسئله را

لطفاً امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (فوق‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.

اندک اندک جمع مستان می‌رسد

قله‌های بلند این مسیر را از ما می‌گیرد. ۲. علم را به تنهایی هدف خود قرار ندهید. علم هرچه قدر هم که پیشرفت کند، باز هم تنها یک ابزار است و نیرو و توانی که سبب کارکرد این ابزار می‌شود، از جایی دیگر تامین می‌شود. البته ناگفته نماند که فهم این جمله برای ذهن‌های ما که مدت‌هاست همه چیز را مادی می‌بیند، کمی سنگین است؛ اما در اسلام داریم «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، «لا حول و لا قوة الا بالله» و این کلمات یعنی آن ابزارها تنها به خواست و اراده ی یک وجود کار می‌کنند و آن وجود ذات مقدس الهی است. جالب است بدانید شهدای راه علم بسیار به این نگاه پایدار بوده‌اند و هر چه قدر هم در مسیر علم رشد می‌کردند، هیچ‌گاه خودشان را بزرگ و اثرگذار نمی‌دیدند. به عبارتی تقویت بُعد علمی‌شان هرگز باعث نمی‌شد که سر سوزنی بر منیت‌شان افزوده شود. در این جا به ذکر مثالی از شهید حسن تهرانی مقدم (ملقب به پدر علم موشکی ایران) می‌پردازیم. همکارانشان تعریف می‌کنند که ایشان هرگاه می‌خواستند یک تست موشکی انجام بدهند، قبل از آن وضو می‌گرفتند، دو رکعت نماز می‌خواندند و با خدا حرف می‌زدند؛ سپس فرمان اجرای تست را می‌دادند و هرگاه تست با موفقیت انجام می‌شد به تیم سازنده می‌گفتند: «خدا به ما نظر لطف کرد و این آزمایش با موفقیت انجام شد، بیایید از این به بعد نمازتان را اول وقت بخوانیم.» روی تمام موشک‌ها آیه «و ما رمیت» را می‌نوشتند و قلباً به آن اعتقاد داشتند. همیشه درس و کارشان را با توسل و روضه حضرت زهرا (س) شروع می‌کردند و این‌ها همه قطره‌ای بود از دریای معنویت ایشان در مسیر کار و پژوهش علمی.

تامل کردن در این رفتارها به ما نشان می‌دهد که، پیشرفت در مسیر علمی تنها متکی به فهم مسائل علمی نیست؛ به عبارتی شهید حسن تهرانی مقدم ابتدا در مسیر عبودیت قله‌ها را فتح می‌کردند و پس از آن خداوند در مسائل علمی و دنیایی دست او را می‌گرفت. و امروزه راهی که او شروع کرد را همه‌ی ما ثمره‌اش را می‌بینیم. برمی‌گردم به جمله اول، علم را هدف خود قرار ندهید، علم تنها یک ابزار است. اگر ما هم حقیقتاً دغدغه رشد علمی کشورمان را داریم و می‌خواهیم در این راه با تمام وجود تلاش کنیم و کاری را به انجام برسانیم، قبل از شروع کردن باید یقین پیدا کنیم که ما به تنهایی هیچ کاری را نمی‌توانیم پیش ببریم، و در این حالت، ناامیدی است که به سراغ ما می‌آید. اما به یاری خدا و توکل بر او می‌توانیم روی یاری خدا حساب کنیم و با دست قدرت او در این راه هرکاری را که خودش به ما توفیق انجام آن را بدهد پیش ببریم.



تنهایی کفایت می‌کند برای اینکه پیرو راه آنان باشیم؟ از طرفی رهبر معظم انقلاب در جایی می‌فرمایند: «علم با دین و اخلاق است که برای بشریت مفید خواهد بود. علم هر چه قدر هم که پیشرفت کند، اگر از اخلاق و دین فاصله بگیرد به حال بشریت مفید نخواهد بود.»

سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه درس بخوانیم که ما هم مثل فخری زاده‌ها، احمدی روشن‌ها، تهرانی مقدم‌ها، سلیمانی این راه باشیم و در مسیر پیشرفت علمی کشور مفید و مؤثر واقع شویم؟

شاید شنیدن پاسخ کامل برای این سوال از حوصله این متن خارج باشد اما، می‌توانیم در کلامی کوتاه مطرح کنیم که چگونه نباید درس بخوانیم یا به عبارتی با چه نگرشی درس خواندن درست نمی‌باشد:

۱. از سر ترس نباید درس بخوانیم؛ شاید بگویید این که واضح است که نباید از ترس کسی درس بخوانیم، اما حقیقت این است که وقتی با خودمان فکر می‌کنیم اگر مدرک نداشته باشیم چه می‌شود، مردم چه می‌گویند یا موقعیت اجتماعی‌مان چه می‌شود و در خیالمان وحشت می‌کنیم در برابر پاسخ دادن به این سوالات، این یعنی ما داریم از سر ترس درس می‌خوانیم و این تفکر چنان ما را ذلیل بار می‌آورد که اجازه اندیشیدن به

آهایی که یکی پشت دیگری با سرعتی بیش از ثانیه‌ها می‌آیند و می‌روند. «خسته نباشید»های حضوری از چت کلاس سر درآورده‌اند. پس چرا این کلاس تمام نمی‌شود؟ آه! امتحانات هم کم کم از راه می‌رسند و درس‌هایی تلنبار شده که شانه‌های دانشجوی خسته از بی‌انگیزگی (بی‌انگیزه=بی‌هدف) شاید یارای کشیدن آن‌ها را ندارد و همه به امید تمام شدن امتحانات میان ترم و چندی بعد هم پایان ترم و ترم بعد و ترم‌های بعد... انگار که می‌خواهیم فقط دور یک میدان آنقدر دور بزنیم تا بالاخره عمر هم به پایان رسد.

آیا همه‌ی تقصیرها را گردن استاد خشک و دروس سخت و کمبود امکانات رفاهی و... می‌توان انداخت؟ یا... و اما باز هم آه! مگر می‌شود؟ چه طور باور کنیم که متخصصان و عناصر هسته‌ای و دفاعی ما را بار دیگر...؟ چه طور فریادها در سینه زنجیر شده‌اند؟

پس از شهادت دانشمند هسته‌ای دکتر محسن فخری زاده کلامی را از مقام معظم رهبری خواندم که مرا سخت به فکر فرو برد. «نمک‌شناسی حق شهیدان این است که در راهی که آن‌ها باز کرده‌اند حرکت کنیم.» به راستی آیا حرکت کردن در راه آنان صرفاً به معنای دنبال کردن رشته فیزیک هسته‌ای یا نهایتاً رشته‌های تحصیلی خودمان است؟ آیا همین مسئله به

لطفاً امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف‌ترین) تا ۵ (قوی‌ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.



به وقت کتاب

آزادی معنوی

آزادی معنوی مجموعه‌ای است مشتمل بر پانزده سخنرانی از استاد شهید آیت‌الله مطهری که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایراد شده‌اند و وجه مشترک همه آن‌ها این است که موضوع آن‌ها مسائل معنوی و مربوط به خودسازی و تزکیه نفس است. مطالب کتاب در هشت فصل مرتب شده است و هر فصل شامل یک یا چند سخنرانی است. تاریخ و مکان ایراد هر سخنرانی در ابتدای فصل مربوط ذکر شده است.



هویت دانشجوی



پنج روز بعد، این کارشناس مسائل نفتی به اتفاق لویی هندرسن، سفیر آمریکا در ایران برای مذاکره به دیدن شاه رفت. هور پس از یک اقامت درازمدت ۲۳ روزه در ایران برای بازدید از پالایشگاه‌ها و حوزه‌های مختلف نفتی و گفت‌وگو با مقامات بلندپایه دولت کودتا، تهران را به مقصد واشنگتن ترک کرد.

در ۲۷ مهرماه، وارن، رئیس اداره همکاری فنی آمریکا، چکی به مبلغ ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار به عنوان کمک فنی ایالات متحده به ایران، تسلیم علی امینی، وزیر دارایی زاهدی کرد.

دو روز بعد، ۲۹ مهر، آنتونی ایدن، وزیر خارجه انگلیس طی نطقی در مجلس عوام این کشور اعلام کرد: «انگلستان بار دیگر دست دوستی به سوی ایران دراز می‌کند و برای تجدید مناسبات سیاسی میان دو کشور از هر جهت آماده است.»

در واپسین روز مهر به دستور دولت، حکومت نظامی در خوزستان، گیلان، اصفهان و فارس به مدت سه ماه دیگر تمدید شد. در همین روز، مأموران حکومت نظامی مبادرت به دستگیری عده زیادی از مخالفان سیاسی و فعالان نهضت ملی کردند. این در حالی است که همان روز، شمار اندکی از زندانیان از جمله دکتر غلامحسین صدیقی، مهندس زنگنه و بهاء‌الدین کهبند، آزاد شدند.

نقش نهضت مقاومت ملی در تحولات سیاسی ایران پس از کودتا این تشکل سیاسی یک روز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خانه آیت‌الله سیدرضا زنجانی به حضور رجال و شخصیت‌های سیاسی با گرایش دینی و ملی شکل گرفت و به هیچ فرد و گروه خاصی تعلق نداشت و در شهرهای گوناگون و حتی خارج از کشور، شعبه‌ها و شاخه‌هایی متأثر و مرتبط با آن شکل گرفته بود.

خط مشی نهضت در سه اصل:

- * تداوم جنبش مردم و اعاده استقلال ملی؛
- * مبارزه با هرگونه استعمار خارجی (سرخ و سیاه)؛
- * مبارزه بر ضد حکومت‌های دست نشانده خارجی و اعمال فساد، پیش بینی شده بود.

نهضت مقاومت ملی، پایگاه اجرایی و عملیاتی خود را بر روی دو محور دانشگاه و بازار استوار ساخته بود. بازاریان به مثابه پشتوانه مالی و تدارکاتی و دانشجویان که به عنوان نقش آفرینان و نیروهای عملیاتی و خط مقدم رویارویی با رژیم به شمار می‌آمدند.

دانشگاه و دستگیری دانشجویان نه تنها کمکی به بهبود اوضاع نکرد، بلکه به گسترش دامنه بحران و افزایش تنش و تشنج موجود افزود.

هرچند نمایش حاکمیت پهلوی بدین جا ختم نشد و پس از شکستن حرمت و قداست دانشگاه و دستگیری دانشجویان، کودتاجیان برای زهر چشم گرفتن از دانشجویان، شماری از سربازان مسلح را در برابر دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران مستقر کردند. البته در خارج از محیط دانشگاه وضع به مراتب بدتر بود، یک تانک و تعدادی کامیون مملو از نیروهای مسلح و مجهز در حالت آماده‌باش مقابل درب اصلی دانشگاه تهران مستقر بودند و تمامی رفت و آمدها را زیر نظر داشتند. در میدان ۲۴ اسفند (میدان انقلاب کنونی) که در فاصله نزدیک دانشگاه قرار دارد، اوضاع نه تنها عادی نبود، که از دیگر مناطق اطراف دانشگاه بدتر هم بود. سه دستگاه تانک و چند خودرو نفربر و اتومبیل‌های جیب نظامی در حاشیه میدان موضع گرفته بودند.

تمامی خیابان‌های اصلی و کوچه‌های فرعی منتهی به محوطه مستطیل شکل دانشگاه در سایه نگاه مراقب و تیررس مأموران آشکار و نهان نظامی و انتظامی بود. آنان حتی رفت و آمد عابران در پیاده‌روها را به دقت کنترل می‌کردند و از اندک توقف و جزیی‌ترین کنجکاو و تأمل آنان نسبت به آنچه در دانشگاه می‌گذشت ممانعت به عمل می‌آوردند.

اما به رغم تمامی تمهیدات حاکمیت نظامی، در این ایام بار دیگر تهران شاهد تظاهرات در خور توجه دیگری بود و این مرتبه فریاد اعتراض نه از دل دانشگاه که از بیرون آن، حوالی چهارراه امیراکرم، مکانی در دو کیلومتری جنوب شرقی دانشگاه، به گوش می‌رسید.

این تظاهرات که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شده بود و موجب غافلگیری و برآشفتنی فرمانداری نظامی گردید، با واکنش و عکس‌العمل سریع نیروی انتظامی و نظامی و تیراندازی هوایی و درگیری‌های پراکنده به منظور متفرق کردن تظاهرکنندگان، همچنین بازداشت شماری از معترضان، خاتمه یافت.

پیش به سوی انسداد سیاسی

آنچه در روزهای بعد روی داد، فضای سیاسی جامعه، به‌ویژه دانشگاه را ملتهب‌تر ساخت. ۹ روز پس از واقعه شانزدهم مهر، یعنی ۲۵ مهر، هربرت هور، مشاور وزارت امور خارجه آمریکا در امور نفت به منظور گفت‌وگو با دولتمردان ایرانی وارد تهران شد.

با آغاز سال تحصیلی و بازگشایی دانشگاه‌ها در مهرماه، بر اثر خیزش‌های مردمی و تحرکات دانشجویی، اوضاع سیاسی رو به وخامت نهاد. دانشجویان با راه‌اندازی تظاهرات، پخش اعلامیه و تعطیلی کلاس‌های درس، آشکارا خشم و نفرت خود را نسبت به دیکتاتوری حاکم ابراز داشتند.

در نیمه مهرماه، گروه‌های دانشجویی اعلامیه‌هایی منتشر کردند که در آن بر ضرورت توسل جستن به اعتصاب به مثابه یک حربه در برابر حاکمیت، همچنین لزوم آزادی دکتر مصدق از زندان، رفع توقیف شماری از استادان دانشگاه و سرانجام جانبداری از تظاهرات محرم در بازار تهران، تأکید شده بود. تهیه و توزیع این اعلامیه‌ها تأثیر ویژه‌ای در فضای سیاسی آن دوره بر جای نهاد، به گونه‌ای که واکنش دولت کودتا را به ارمغان آورد که به شکلی شتابزده اعلام کرد: «دولت در مقابل این گونه تحرکات به شدت ایستادگی خواهد کرد.»

به رغم خط و نشان‌هایی که دولت نظامی برای مخالفان خود، به‌ویژه دانشجویان می‌کشید، دانشگاهیان با معاضدت بازاریان، خود را برای برگزاری یک اعتصاب گسترده آماده کردند و روز ۱۶ مهرماه مصادف با ۲۹ محرم الحرام، زمان و موعد مناسب این اقدام تشخیص داده شد.

اعتصاب آغاز شد و بازار بسته ماند. همان روز دانشجویان به برپایی تظاهرات آرام در محیط دانشگاه مبادرت نمودند. متعاقب آن، فرمانداری نظامی سراسیمه و وحشت زده چند افسر را به همراه چند دستگاه کامیون پر از سربازان تفنگدار به سوی دانشگاه گسیل داشت. سربازان مسلح در جای جای دانشگاه تهران موضع گرفتند و همه جا را زیر نظر قرار دادند. در این روز نیروهای نظامی دست به اقدام کم سابقه‌ای زده و در داخل محیط دانشگاه نسبت به دستگیری شماری از دانشجویان (گفته می‌شود حدود یازده نفر) به اتهام اخلال در امنیت عمومی و برهم زدن نظم، اقدام نمودند.

از منظری، آنچه روز شانزدهم مهرماه روی داد، نخستین واکنش همه‌جانبه دانشگاه و دانشگاهیان (استاد و دانشجو) در برابر دولت کودتا بود. افزون بر این، برای نخستین مرتبه از زمان تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، مأموران نظامی وارد حریم دانشگاه شدند و به دستگیری جمعی از دانشجویان مبادرت کردند.

چنین رفتاری طی نوزده سالی که از بنیادگذاری دانشگاه تهران می‌گذشت بی‌سابقه بود. بی‌گمان ورود قوای مسلح به محیط



عکس نوشته



روحانی: در سال ۱۴۰۰ دلار ۱۱ هزار تومان می‌شود.

چرا امسال یا پارسال نشد؟ چرا ۱۴۰۰؟
 سال ۹۶ دروغ دلار ۶ هزار تومانی را گفتید و حالا
 وعده دلار ۱۱ تومانی می‌دهید؟
 #انتخابات_۱۴۰۰



افسانه بودجه ۱۴۰۰ با خیال‌پردازی و بی‌مسئولیتی و عمل به یک شعار بسته شده است:

دولتی جاق‌تر و جیب مردم خالی‌تر

احمد رضا بيمه‌ای
 عضو شورای عمومی انجمن اسلامی دانشجویان
 دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی



کد مطلب: ۹

مقصد نامعین



دانشگاه نه برنامه و راه مشخص دبیرستان را دارد و نه جو صمیمانه آن را، و تحمل هر دو برایم سخت بود. اما بعدها فهمیدم آدم که نباید همیشه لای پر قو بزرگ شود. همیشه که نباید تا سال‌ها بعد هم برنامه زندگی مشخص باشد. گاهی باید بی‌خیال باشی، بی‌خیال از آینده، بی‌خیال از عقاید و باورهایی که دیگران آن‌ها را منطقی می‌خوانند. وقتی بی‌خیال می‌شوی، اشتیاقی برای تغییر و شادی به دست می‌آوری که تو را از تمام سربالایی‌ها، بالا می‌برد.

دانشجویی به همین چیزهایش خوش است، به همین کشف و شهودها، به همین حس بی‌فایده‌گی و تلاش برای مفید بودن. همین تلاش‌هاست که آدم را متریقی می‌کند و رهنمون کمال می‌سازد. راحت نیست، راستش را بخواهید اصلا هم راحت نیست ولی مگر ما آمده‌ایم که راحت بمانیم؟!

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
 موجبیم که آسودگی ما عدم ماست
 روز دانشجوی مبارک...

دست خودم نیست، دوستش دارم! می‌دانم عاقلانه هم نیست ولی، خب تا به حال چه کسی جواز دوست داشتنش را امضا کرده که من دومی‌اش باشم؟ یعنی اگر بخواهد امضا هم کند دل خود را معطل حکم عقل نمی‌گذارد، خودش کار خودش را می‌کند. مثل دل من که نمی‌دانم چرا و چگونه محبت این دوران عجیب و غریب دانشجویی را به جان خریدم. شاید اصلا به خاطر همین عجیب و غریب بودنش دوستش دارم. حیف، نمی‌شود از دل پرسید، یعنی می‌شود پرسید، ولی دل که به عقل جواب پس نمی‌دهد.

هر روز این‌ور و آن‌ور با لاتکلیفی، هر روز، صبح تا شب درس و دانشگاه و حس بی‌فایده‌گی، واقعا دل هم عجب جای کنده‌ای برای خودش دارد که توانسته همه‌ی این‌ها را در خودش بچپاند.

از همان روزهای اول ورودم به دانشگاه متوجه یک تفاوت عمده دانشگاه با دبیرستان شدم و آن هم این بود، که

لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف ترین) تا ۵ (قوی ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۳۸۹۷۰۶۰۴۲ ارسال فرمایید.



شناسنامه

مدیر مسئول: علیرضا فرخی

سر دبیر: سیدمهدی رجایی نسب

هیئت تحریریه:

علیرضا زارع، علی شفیعی رونیزی، محسن البرزی، حسین احمدی، احمدرضا بهمه‌ای، علیرضا شاهسوندی، نرجس حریری، سیدهریخانه معین، سیده کوثر هاشمی‌زاده، نرجس شیخ‌پور، سارا دانش‌پناه

طراح و صفحه‌آرا: محمد مهدیان‌فر

@anjoman_eshlami_shu
 www.anjomanshu.ir



شهید شادمانی



شهید مرتضی مطهری:

نسل جوان، افکار و ادراکات و احساساتی دارد و انحراف‌هایی؛ تا به دردش یعنی به افکار و ادراکات و احساساتش رسیدگی نشود، نمی‌شود جلو انحرافاتش را گرفت. اتفاقا دیگران از راه شناختن درد این نسل، آن‌ها را منحرف کرده‌اند و از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

Javad Zarif @JZarif

به اردوغان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدایی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادریشان ایران است! آیا او نفهمید که علیه حاکمیت جمهوری آذربایجان سخن گفته است؟ هیچکس نمی‌تواند در باره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.

ظریف: هیچکس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.

واکنش قهری —————
 —————
 رمان دیپلماسی و
 —————
 رزوردد تغییر معادلات به اظهارات اردوغان.